گفت‌وگو با استاد علی نوری، مربی تیم کاراته بسیج تهران بزرگ

رزم آموزی رایگان به بسیجیان به عشق رهبر انقلاب

■ علیرضا محمدی

استاد علی نوری متولد ۱۳۴۱ کاراته را از سال ۵۶ آغاز کرده‌است. او در دهه‌ای به دنیا آمد که دوران جوانی و بالندگی‌اش خواهی نخواهی با کوران حوادث انقلاب و جنگ تحمیلی همراه شد و به این ترتیب نوری نیز مانند خیلی از همسن و سالانش سعی کرد تا آن طور که می‌تواند و بلد است از میهن و اعتقاداتش دفاع کند. به این ترتیب استاد علی نوری در مقطعی به عنوان یک رزمنده و بار دیگر به عنوان یک مربی آموزش دفاع شخصی رهسپار جبهه‌های جنگ شد. او آموزش بسیجی‌ها را پس از اتمام جنگ نیز ادامه داد تا آنجا که وقتی در یک غروب سرد پاییزی ساعتی در باشگاه محل تمرین او همکلامش شدیم به عنوان یک مربی پیشکسوت بسیج پاسخگوی سؤالات‌مان بود. گفت‌وگوی ما با این استاد بسیجی کاراته (سبک شیتوریو سی شین کای) را پیش رو دارید.

استاد نوری (پیراهن سفید) در حال آموزش رزمندگان

برای شروع از فعالیت‌های ورزشی‌تان بگویید

من کاراته را از سال ۵۶ آغاز کردم. تقریباً هشت سال از فعالیت ورزشی‌ام می‌گذشت که وارد تیم‌ملی کاراته شدم. مشخصاً از سال ۶۴ که عضو تیم‌ملی بودم به دفعات به اردو دعوت شدم اما به دلیل درگیر شدن کشورمان در جنگ تحمیلی، تیم‌ملی اعزام برون مرزی نداشت. به همین خاطر اغلب عناوینم مربوط به مسابقات داخلی می‌شود. چنانچه ۱۲ قهرمان کشوری از انتخابی تیم‌ملی گرفته تا مسابقات نیروهای مسلح، نیروی مقاومت بسیج و... دارم. هشت مقام دومی داخلی و ۱۸ عنوان سومی در مسابقات مختلف از دیگر عناوینم هستند. هم اینک در سبک شیتوریو سی شین کای دان شش فدراسیون کاراته و دان هفت بین‌المللی (از کشور ژاپن) را دارم. در رشته جوجیتسو (دفاع شخصی) هم دان شش فدراسیون را کسب کرده‌ام و در حال حاضر به عنوان رئیس هیئت کاراته جنوب غرب تهران و همچنین مربی تیم کاراته بسیج تهران بزرگ مشغول فعالیت هستم.

چطور شد که پایتان به جبهه و جنگ کشیده شد؟

خانواده ما از آن دست خانواده‌های مذهبی جنوب شهری بودند که انقلاب را از خودشان می‌دانستند و در مسیر آن تلاش می‌کردند. به همین ترتیب انقلاب و جنگ، حوادثی بودند که نمی‌توانستیم بی‌تفاوت از کنار آنها بگذریم. چنانچه در نیمه اول سال ۶۲ من و دو تن دیگر از برادرانم همزمان در جبهه بودیم. دوتایمان به عنوان سرباز و دیگری به عنوان بسیجی. خود من از سال ۶۰ تا ۶۲ به عنوان سرباز واحد توپخانه در سرپل ذهاب و مرز خسروی خدمت کردم. در سال ۶۳ هم از طرف کمیته انقلاب اسلامی در جبهه‌ها حضور یافتم و بار سوم در سال ۶۵ از طرف فدراسیون کاراته برای آموزش رزمنده‌ها به قرارگاه کربلا در جنوب اعزام شدیم.

پس در جبهه‌ها هم هنر رزمی‌تان را آموزش می‌دادید؟

بله، همان زمان که سرباز بودم به همراه همرزمانم یک محیط ۱۷ – ۱۸ متری را مهیا کردیم و اقدام به آموزش سربازها و رزمنده‌ها می‌کردم. یادم است حتی فرمانده واحد ما نیز در این کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کرد. بعد از خدمت سربازی همچنان در پشت جبهه توی پایگاه بسیج مساجد یا مکان‌هایی از این دست اقدام به آموزش جوانانی می‌کردم که شوق رفتن به جبهه‌ها را داشتند. در سال ۶۵ هم همان طور که گفتم از طرف فدراسیون و ذیل یک گروه ۲۵ نفره به جبهه‌های جنوب اعزام شدیم.

شما عضو تیم‌ملی بودید، چه لزومی داشت که بعد از خدمت سربازی باز به جبهه‌های جنگ برگردید؟

پاسخ سؤال شما در همان احساس مسئولیتی است که آن زمان خیلی از جوانان و مردم کشورمان داشتند. من هم بعد از خدمت سربازی هر بار که از طریق رسانه‌ها می‌دیدم یا می‌شنیدم که بچه‌های رزمنده ما با دشمن جنگ تن به تن کرده‌اند، توی دلم آرزو می‌کردم کاش خودم آنجا بودم و از هنر رزمی‌ام بهره می‌بردم. حتی یادم است یکبار اعلام شد یکی از رزمنده‌ها با استفاده از هنرهای رزمی توانسته از اسارت دشمن فرار کند. لذا با شنیدن این اخبار نمی‌توانستم آرام در شهر بمانم و نسبت به اتفاقات جنگ بی‌تفاوت باشم.

به همین خاطر در سال ۶۵ به همراه ۲۴ نفر دیگر و از طریق فدراسیون کاراته برای آموزش هنرهای رزمی و دفاع شخصی به جبهه‌های جنوب رهسپار شدیم. در قرارگاه کربلا سکونت یافتیم و از آنجا به مقرها و مناطق مختلف اعزام می‌شدیم.

آیا شاگردانی از شما هم به شهادت رسیده‌اند؟

توی جبهه که نمی‌توانم به قطعیت بگویم کدامشان شهید شده یا کدامشان هنوز هستند اما در یک مقطعی که توی مسجد امیرالمؤمنین(ع) آموزش تعدادی از بسیجی‌ها را برعهده داشتم، خدابیامرز شهید ابراهیم حاتمی هم در کلاس‌هایم شرکت می‌کرد. ایشان هم‌محلی، شاگرد و به نوعی دوست من بود. فاصله سنی کمی با هم داشتیم و این امر بر دوستی‌مان می‌افزود. ابراهیم کمربند آبی‌اش را گرفته بود که به جبهه‌های جنگ رفت. کمی بعد نیز خبر شهادتش به گوشمان رسید. او از آن دست بچه حزب الهی‌های محجوب و مخلصی بود که واقعاً لیاقت شهادت را داشت و عاقبت نیز به آنچه لایقش بود، رسید. روحش شاد.

گویا بعد از اتمام جنگ همچنان ارتباط‌تان را با بسیج حفظ کرده‌اید، دلیل این امر چیست؟

کار در بسیج را دوست دارم. محیطی که بسیجی‌ها در آن باشند آدم را یاد جمع باصفای رزمنده‌ها می‌اندازد. البته این را هم بگویم که من خودم را یک بسیجی می‌دانم و اصلاً مقطعی از آموزشم را نزد یک مربی بسیجی یعنی استاد کاکاوند گذراندم. ایشان بنیانگذار جودیدسو در ایران هستند. در دهه شصت بود که من تحت مربیگری استاد کاکاوند و ذیل نام بسیج مسابقه می‌دادم و بعد از جنگ خودم مربیگری تیم‌های مختلف بسیج را برعهده داشتم.

> **من هم بعد از خدمت سربازی هر بار که از طریق رسانه‌ها می‌دیدم یا می‌شنیدم که بچه‌های رزمنده ما با دشمن جنگ تن به تن کرده‌اند، توی دلم آرزو می‌کردم کاش خودم آنجا بودم و از هنر رزمی‌ام بهره می‌بردم. حتی یادم است یکبار اعلام شد یکی از رزمنده‌ها با استفاده از هنرهای رزمی توانسته از اسارت دشمن فرار کند**

معمولاً فعالیت در بسیج با انگیزه‌های مادی جور در نمی‌آید، با این وجود چطور ارتباط‌تان را با بسیج حفظ کرده‌اید؟

به جرئت می‌توانم بگویم اغلب فعالیت‌هایم در بسیج رایگان بوده است. به نظرم کسی که رهبر را قبول داشته باشد پیروان رهبر را هم باید آموزش بدهد. من جوانی‌ام در انقلاب بود. بعد هم که جنگ شد و احساس مسئولیت برای حفاظت از این انقلاب در خیلی از بچه‌های مذهبی این مملکت پیدا شد و همین الان هم چنین احساس مسئولیتی در امثال ما وجود دارد.

می‌توانید آماری از تعداد بسیجیانی که آموزش داده‌اید ارائه بدهید؟

تعدادشان که زیاد است. من اغلب در بسیج یا مراکز نظامی فعالیت کرده‌ام. به عنوان نمونه هشت سال مربی حفاظت از شخصیت‌ها در ستاد کل نیروهای مسلح بودم. از زمان جنگ و حضورم در قرارگاه کربلا گرفته تا بعد از جنگ و همین اکنون تعداد بسیجیانی که در کلاس‌هایم حضور می‌یابند موارد بسیاری را شامل می‌شوند. بنده چندین نسل از بسیجیان را آموزش داده‌ام اما دوست دارم کسانی را جزو این آمار بیاورم که ارتباط‌شان را با بنده و کلاس‌هایم تا مقطع مشخصی حفظ کرده‌اند. پس باید بگویم حدود ۲۵۰ نفر کاراته‌کای بسیجی را تحویل جامعه داده‌ام. این را هم اضافه کنم که غیر از فعالیت رسمی و مستقیم با بسیج، اغلب بچه‌هایی که به باشگاه خودم می‌آیند از جوانان و نوجوانان بسیجی هستند. امیدوارم بتوانم تا آنجا که در توان دارم در این راه بمانم و فعالیت کنم.

استاد نوری (نفر برنده) در حال آموزش بسیجیان

> **محیطی که بسیجی‌ها در آن باشند آدم را یاد جمع باصفای رزمنده‌ها می‌اندازد. من خودم را یک بسیجی می‌دانم و مقطعی از آموزشم را نزد یک مربی بسیجی یعنی استاد کاکاوند گذراندم. ایشان بنیانگذار جودیدسو در ایران هستند. در دهه شصت بود که من تحت مربیگری استاد کاکاوند مسابقه می‌دادم و بعد از جنگ خودم مربیگری تیم‌های بسیج را برعهده داشتم**

دیدگاه

تأسیس دفتر اسیران جنگی ایران و عراق ضروری است

بازخوانی ۶ میلیون نامه اسرای عراقی

■ آرمان شریف

یکی از موضوعات مغفول مانده و کمتر پرداخته شده دوران دفاع مقدس به موضوع حضور اسیران عراقی در ایران بازمی‌گردد. جنگ ایران و عراق هم مانند هر جنگ دیگری برای هر دو سوی درگیر اسیران زیادی را به همراه داشت که تا ماه‌های پس از جنگ تبادل اسرا بین دو طرف ادامه داشت. ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی حدود ۷۵ هزار نفر از سربازان دشمن را به اسارت خود درآورد و بسیاری از آنها تا چندین سال در اردوگاه‌های کشورمان به سر می‌بردند. اما همان قدر که از آزادگان در بند رژیم بعث عراق و نحوه برخورد مأموران ارتش بعث با اسرای ما گفته شده در مقابل ناگفته‌های بسیاری از برخورد ایرانی‌ها با اسیران عراقی وجود دارد.

پرداختن به زندگی اسیران عراقی می‌تواند نقاط مبهم حضور آنها در کشور ما را برطرف کند و حاوی نکات باارزشی برای آشنایی و شناخت بیشتر دشمنی باشد که هشت سال به قصد دست‌اندازی به خاک ایران مقابل‌مان جنگید.

چندی پیش مرتضی سرهنگی مدیر دفتر ادبیات پایداری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی از تأسیس دفتر اسیران جنگی ایران و عراق در آینده نزدیک از سوی دفتر متبوعش خبر داد و گفت: «حدود شش میلیون نامه بین اسرا و خانواده‌هایشان مبادله شده و من تا الان نزدیک ۱۲ هزار نامه را جمع آوری کرده‌ام که این خصوص نمی‌شود. هر چند پاسخگو نبودن در برابر رسانه‌ها برای مسئول یک سازمان عمومی امری پسندیده محسوب نمی‌شود اما ایجاد این دفتر می‌تواند نسل‌های بعد از جنگ را با واقعیت‌های بسیاری از جنگ تحمیلی آشنا کند که در مجال پیش آمده به گوشه‌هایی از آن می‌پردازیم.

بدیهی است وجود شش میلیون نامه به جامانده از اسیران عراقی می‌تواند در حکم یک سند باارزش برای پرداختن به بخش مغفول مانده جنگ تحمیلی باشد. ترکیب فضای جنگی با یک فضای اردوگاهی شرایط متفاوت و خاصی را برای اسیران رقم زده است. از آنجا که در زمان جنگ ما از کشورهای متعددی اسیر گرفتیم پیاده‌سازی خاطرات و جمع‌آوری نامه‌های آنان گنجینه‌ای از ناگفته‌های جنگ را پیش رویمان قرار خواهد داد. در تمام جنگ‌هایی که در دیگر نقاط جهان اتفاق افتاده جمع‌آوری و پیاده‌سازی اسناد و مدارک مربوط به اسیران بخشی مهم از تاریخ جنگشان را شامل می‌شود. قطعاً خوانده و دیده شدن حرف‌های اسیران عراقی در ایران جذابیت‌های خاص خود را خواهد داشت.

یکی از وجوه مهم در پرداختن به وضعیت اسرای عراقی مقایسه آنان با وضعیت اسیران ایرانی است. آن طور که از نوشته‌های کتاب «جنگ را ما شروع کردیم» برمی‌آید، رفتار سربازان و رزمندگان ایرانی با اسرای عراقی در اردوگاه‌های کشور به هیچ عنوان قابل مقایسه با وضعیت آزادگان در عراق نیست. زمانی که کتاب ناصر صارمی را ورق می‌زنیم، متوجه رفتار انسانی و خوب ایرانیان با اسیران عراقی می‌شویم. چنانچه در بخش‌هایی از کتاب می‌خوانیم که حتی سربازان ایرانی با اسیران عراقی فوتبال هم بازی می‌کردند و هیچ خبری از اذیت و آزار و شکنجه نیست.

> **پرداختن به وضعیت اردوگاه‌های اسیران عراقی می‌تواند به خوبی جنبه‌های انسانی جنگ ایران و عراق را به تمام جهان نشان دهد. بدیهی است در این خصوص بررسی نامه‌های این اسرا که در آن بی‌هیچ دغدغه‌ای داشته‌های ذهنی خود در شرایط اسارت را بیان می‌کردند، سندی واضح برچگونگی رفتار ایرانیان با اسرای متجاوز خواهد بود**

اما در مقابل وقتی خاطرات آزادگان کشورمان را مرور می‌کنیم می‌بینیم وضعیت کاملاً متفاوت با ایران بوده‌است. هنوز آثار و عوارض شکنجه‌های بعثی‌ها بر جسم و روح و روان آزادگان مانده و مرور خاطرات تلخ آن روزها این عزیزان را مکدر می‌کند.

به هر روی پرداختن به وضعیت اردوگاه‌های اسیران عراقی می‌تواند به خوبی جنبه‌های انسانی جنگ ایران و عراق را به تمام جهان نشان دهد. بدیهی است در این خصوص بررسی نامه‌های این اسرا که در آن بی‌هیچ دغدغه‌ای داشته‌های ذهنی خود در شرایط اسارت را بیان می‌کردند، سندی واضح برچگونگی رفتار ایرانیان با اسرای متجاوز خواهد بود که باید به انتظار بنشینیم تا ببینیم دفتر پایداری حوزه هنری در این خصوص چه خواهد کرد.

اینها منابع بسیار ارزشمندی است و می‌توان از آنها برای پژوهش استفاده کرد.»

تلاش بسیاری کردیم تا برای جویا شدن از جزئیات این طرح با مدیر دفتر ادبیات پایداری حوزه هنری گفت‌وگویی انجام دهیم ولی متأسفانه به رغم تماس‌های مکرری که گرفته شد موفق به انجام مصاحبه با مرتضی سرهنگی نشدیم و در جواب کارمندان شنیدیم که او به هیچ عنوان حاضر به مصاحبه با هیچ رسانه‌ای در

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۱۲۶

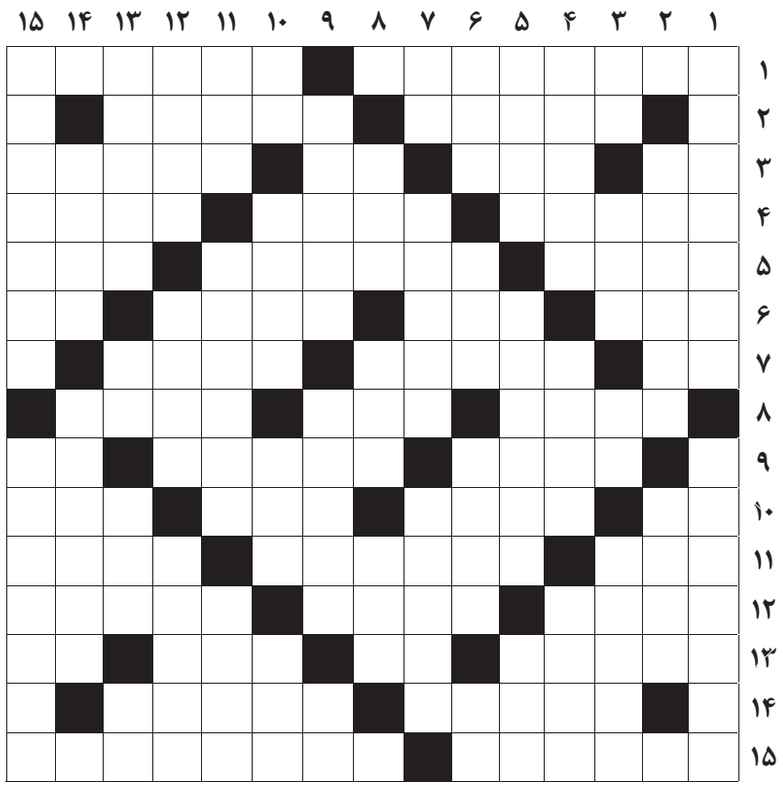

از راست به چپ

■ ۱- تاریخ‌نگار ایرانی قرن دهم هجری و صاحب اثر حبیب السیر- زورافزایی ■ ۲- باقی‌مانده و مازاد- چهارپایان ■ ۳- نیم‌تنه- سرور و رئیس- عضو بالانشین- نوعی سگ و هواپیما ■ ۴- آب دادن- جهانگرد- آنزیم مبدل شیر به پنیر ■ ۵- التفات- اقدام به کاری کردن- سخن بیهوده ■ ۶- پول خرد اسپانیا- از آهنگ‌های موسیقی ایرانی- قیافه و شکل- قدم یکپا ■ ۷- حرف دهن کجی- دانشگاه معروف فرانسه- پرده گوش ■ ۸- توان و قدرت- خراب کردن- بنانهاده شده ■ ۹- عشق آمد و گرد فتنه بر جانم .../عقلم شد و هوش رفت و دانش بگریخت- بهترین نوع چای- صدمه و آسیب ■ ۱۰- ناچیز- فرزندان و اولاد- نوشابه لبنی- انفرادی ■ ۱۱- اسب چاپار- میوه مناطق گرمسیر- سقف درشکه و اتومبیل ■ ۱۲- دلیر و بخشنده- سالروز شهادتش به عنوان روز مجلس نامگذاری شده- از وزاری سابق وزارت خارجه ■ ۱۳- جعبه حروف چاپی- زهر- مخزن بنزین خودرو- حرص و طمع ■ ۱۴- زیرکی- نصف، نیم ■ ۱۵- رودخانه مشترک سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان- از هنرهای ظریف و زیبا

از بالا به پایین

■ ۱- رنگی میان سفید و سیاه- نقطه اتکا ■ ۲- کارگردان فیلم کاغذ بی خط با بازی شکیبایی- قابله ■ ۳- پایه و مبنا- زمان مرگ- مایه حیات- لقب اشرافی ■ ۴- قوه‌ای که موجب رشد و نمو می‌شود- با شتاب و عجله- محل گذر ریز عکس- آب‌بند ■ ۷- تکرار حرف آخر- انگشت اشاره- شعبده‌باز ■ ۸- جاسوسخانه آمریکا- جا و اثر زخم- واحد وزنی ■ ۹- از منسوبین نزدیک- نامی دخترانه- حرف انتخاب ■ ۱۰- عدد روستا- طماع- رتبه دوست داشتنی- نمایشنامه‌نویس، رمان‌نویس و شاعر ایرلندی و صاحب اثر در انتظار گودو ■ ۱۱- شستن فرنگی- نمادی از نطفه و نژاد در سفره نوروزی- خدمتکار ■ ۱۲- کالبد و جسم- از ظروف آشپزخانه- شهر و استانی در عراق ■ ۱۳- بردش معروف است- اتاقک کشتی- دیوار بلند- بنده و شما ■ ۱۴- پول عمان- سازمان تبهکاران ژاپن ■ ۱۵- نصف‌النهار مبدأ- نوعی شیرینی ایرانی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵	۷			۶				
	۲					۸	۱	
۶				۲	۹			
								۲
		۴		۱	۸			۷
		۷				۴		
			۲				۸	
	۱					۹	۳	
	۵		۹					

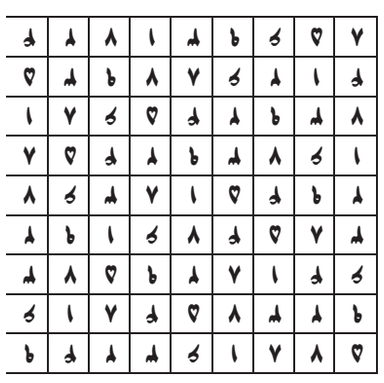

جدول کلمات متقاطع
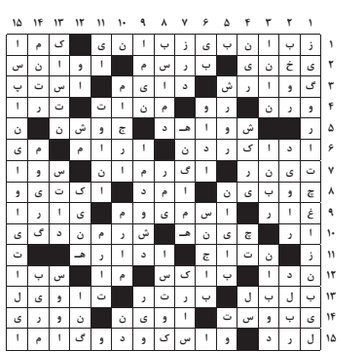
پاسخ جدول شماره ۴۱۲۵